



شهید محمدرضا محمدرحیمی

ولادت: ۱۳۳۸/۶/۲۹، استان تهران

پذیرش در رشته پزشکی دانشگاه شهید بهشتی

شهادت: ۱۳۶۱/۳/۲۲، خیابان رودکی تهران، ترور به دست منافقین

آرامگاه: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۲۶، ردیف ۳۹، شماره ۴۳

زندگی نامه

شهید محمدرضا محمدرحیمی در بیست و نهم شهریور ۱۳۳۸ در شهر تهران چشم به جهان گشود. مراحل مختلف تحصیل را با ماحصلی غنی و آموزشی جهت‌دار گذراند و به فعالیت‌های مذهبی و فراگیری معارف اسلامی اهتمام ورزید.

او با یاری چند تن از دوستانش در ساخت مسجد محل سکونت و تأسیس کتابخانه و واحد فرهنگی و تبلیغی همت گماشت. در شانزده سالگی موفق به دریافت مدرک دیپلم طبیعی شد و از همان سنین مطالعه گسترده کتاب‌های مذهبی و سیاسی را آغاز کرد و به نگارش مقالات مختلف پرداخت.

در سال ۱۳۵۶ در رشته زبان عربی دانشگاه مشهد پذیرفته شد و علی‌رغم علاقه فراوان به دلیل دور نماندن از فعالیت‌های سیاسی و مذهبی از رفتن به این دانشگاه خودداری کرد. در سال ۱۳۵۷ با بورسیه ارتش در رشته پزشکی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد، اما به دلیل بیزاری از ماهیت ارتش طاغوت، دوباره دانشگاه را ترک کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خاطر نیاز کشور به پزشکان متعهد، با باز پس‌گیری انصراف خود بار دیگر به دانشگاه بازگشت و در تأسیس انجمن اسلامی و تشکیل جهاد دانشگاهی به‌ویژه کمیته پزشکی تلاش بسیار نمود و نیز از مؤسسان انجمن اسلامی در دانشکده افسری بود. در این دوران بر فعالیت‌های شبانه‌روزی او افزوده شد؛ سپاه نیز از وجودش بهره‌مند گردید و مسئولیت ستاد الهادی (ع) به وی واگذار شد. با شروع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها با همراهی شهید سرافراز، کتابخانه و کانون فرهنگی مسجد را بیش از پیش گسترش داد و کلاس‌های

آموزشی متعددی دایر نمود و اغلب وقت خود را در آموزش و پرورش و مسجد می‌گذراند و به تحقیق و مطالعه در موضوعات مختلف از جمله التقاط و ایراد سخنرانی می‌پرداخت.

با شروع جنگ تحمیلی به مدت هفت ماه راهی جبهه‌های جنگ شد. پس از مدتی در مراجعت به تهران بنا به ضرورت و فضای ایجاد شده توسط منافقان در آموزش و پرورش به عنوان بازرس اداره کل آموزش و پرورش تهران انجام وظیفه نمود و علاوه بر آن در ارگان‌های مختلف از جمله جهاد دانشگاهی، بیمارستان جرجانی و مساجد گوناگون حضوری فعال داشت. سرانجام وی در بیست و دوم خرداد ۱۳۶۱ در حالی که از بیمارستان بازمی‌گشت، حوالی خیابان رودکی مورد هجوم دو نفر از تروریست‌های منافق قرار گرفت و با رگبار گلوله به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

همان‌گونه که به عنوان اعتقاد دینی و اسلامی خود به ولایت فقیه عادل با تقوای آگاه به زمان و مدیر و مدبّر معتقد هستم، چنان‌چه پیامبر (ص) چنین فقهایی را «امناء الرّسل» و «حصون الإسلام» خوانده‌اند، تک تک شما را به فرمان‌برداری از امام عزیز، روح و جان امت، مولا و آقای مسلمانان و روح خدا، خمینی کبیر، صاحب ولایت فقیه در عصر حاضر سفارش می‌نمایم. لحظه‌ای ولایت اسلامی را در حیات خویش به فراموشی نسپارید که در عصر غیبت ولیّ عصر (عج)، ولایت و سرپرستی امت به دست توانای رهبران توانا و اسلام‌شناس چون امام خمینی است؛ همان‌گونه که حضرت مهدی (عج) در توقیع مبارکی به شیخ مفید (ره) فرمودند: «... فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّتِ اللَّهِ».

جز راه ولایت فقیه را پیمودن، مخالف توقع و آرزوی حضور در زمان ظهور امام زمان (عج) است. البته هر فقیه‌ی، حجت حضرت مهدی (ع) و آیت‌الله العظمی نیست؛ «تا سیه روی شود، هر که در او غش باشد».

شما را سفارش می‌کنم به تقوا و تزکیه نفس که جان‌مایه انقلاب ماست. با خودسازی و پاکی درون و آرزویی جز رضایت خدا نداشتن و تنها در مسیر قرب او گام برداشتن، می‌توان نگاهبان واقعی اسلام عزیز بود و انقلاب اسلامی، این ثمره خون صد هزار شهید و صدها هزار جانباز، را پاس داشت.

به خاطر داشته باشید که سیلی‌خوردگان از اسلام و امام و ولایت فقیه که در رأس آنها آمریکا و هم‌پیمانانش و سلطنت‌طلب‌ها و ساواک و غرب‌زدگان و شرق‌زدگان و چپ‌ترین چپ‌ها که مولود صهیونیسم هستند تا راست‌ترین راست‌ها و خلاصه همه آنها‌یی که انقلاب اسلامی، درآمد حرام و نامشروع و اشرافیت‌های کاذب و تجدد مآبانه‌شان را به باد داده است، بر سر یک چیز اتفاق دارند و آن، نابودی اسلام و نابودی خط‌سازش‌ناپذیر ولایت فقیه و انقلاب اسلامی است.

سفارش دیگرم به برادران مسجدی و حزب‌اللّهی و مادران و سربازان امام خمینی است که در مسیر انقلاب، ذره‌ای سازش و مسامحه با دشمنان انقلاب و امام و مدارا با گمراهان، زیننده و سزاوار نیست؛ باید جاذبه و دافعه علی‌گونه داشته باشید.

هرگز در پیش‌برد انقلاب از انسان‌های دو رو و ناخالص و بدون بینش صحیح از خط امام، یاری و مدد نخواهید که بالاخره در مقطعی از کار مجبور به مقابله رو در رو با آنها خواهید شد و جز ائتلاف نیروی طرفی نخواهید بست؛ چنان‌چه خود من در این زمینه تجربه‌ها اندوخته‌ام.